نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرانیان شیعه

علی تصدیقی شاهرضائی[1]
سید رضا مؤدب[2]

چکیده
قرآنیان نام یک جریان فکری است که با تکیه بر وحدت امت اسلامی و شعار بازگشت به قرآن در سال‌های مشروطه و پس از آن، تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی توسط یکی از شاگردان ایشان به نام سید اسدالله خرقانی شکل گرفت و به‌وسیله‌ی چهره‌های دیگری همچون: شریعت سنگلجی، یوسف شعار، برقعی، قلمداران و حسینی طباطبایی و...ادامه یافت. این گروه که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانند، روش تفسیری قرآن به قرآن را شاخص فهم قرآن ، قرار داده‌اند؛ اگرچه یکی از مهم ترین و معتبرترین روش های تفسیری ، تفسیر قرآن به قرآن می باشد ، لکن کاربرد این روش تفسیری از سوی ایشان در حوزه‌ی اعتقادت ، با نقدهایی همچون عدم فراگیری، ناهماهنگی و ضعف در نتیجه‌گیری همراه بوده است که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته شده است.

کلید واژه ها: روش تفسیری قرآن به قرآن، قرآنیون شیعه، اسدالله خرقانی، آیات مشابه، روایت تفسیری.

۱- دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم
۲- استاد دانشگاه قم (استاد راهنما) moadab_r۱۱۳@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

۱- مقدمه و طرح مسأله

در حوالی سال‌های مشروطه و پس از آن و در رویارویی با پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ی غرب و تهاجم همه‌جانبه‌ی استعمار به کشورهای اسلامی، جریان‌هایی در این ایران شکل گرفت که برخی دینی و برخی غیردینی بودند. یکی از این جریان‌ها که با هدف اتحاد امت اسلامی و با شعار بازگشت به قرآن و دوران طلایی چهل سال اول اسلام شکل گرفت؛ جریان قرآنیان شیعه است. طرفداران این جریان که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانستند ، چشم خود را بر روی بسیاری از روایات بستند و سنت را به‌طور جدی مورد نقد قرار دادند. چهره‌های شاخص این جریان ، مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن را خود قرآن و بهترین روش تفسیری برای آن را روش تفسیری قرآن به قرآن معرفی کردند.

از آنجا که تاکنون در نقد و بررسی روش قرآنیان شیعه در تفسیر قرآن به قرآن، کار کاملی صورت نگرفته است، این تحقیق می تواند پاسخگوی این سوال باشد که آیا قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن، روش منحصر به فردی را دنبال کرده یا مانند دیگر مفسران، در این زمینه عمل نموده اند و آیا این افراد در اجرای این روش تفسیری به دیدگاه های خود پایبند بوده اند یا خیر؟

ضمنا با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری این جریان، دعوت امت اسلامی به اتحاد و درنتیجه آن، بازگشت به شوکت اولیه‌ی اسلام و بهترین وسیله برای تحقق این امر، بازگشت به قرآن بوده است؛ وحدت و هماهنگی ایشان در دیدگاه‌ها و به‌خصوص روش تفسیری‌شان و کمال و قوت ایشان در به‌کارگیری این روش از ضروریات به نظر می‌رسد. بنابر این در این تحقیق، سعی بر آن است که نخست دیدگاه های قرآنیان شیعه در روش تفسیری قرآن به قرآن، معرفی گردد و سپس میزان پایبندی آنان به این دیدگاه ، نقد و بررسی قرار گیرد.

۲- معرفی مهم‌ترین چهره‌های قرآنیان شیعه و آثار آنها

۲-۱- سید اسدالله خرقانی

سید اسدالله میراسلامی معروف به خارقانی (۱۳۵۵-۱۲۵۴ق) اولین کسی است که با شعار بازگشت به قرآن، شکل‌گیری جریان قرآنیان شیعه را در ایران رقم زد. او قریب ۲۵ سال در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف تحصیل کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید (جعفریان، مقدمه، ص ک). خرقانی در نجف، بیش از همه، شاگرد آخوند خراسانی و در دستگاه وی بود (کرمانی، ۱/ ۶۱) و در همین حوزه‌ی درسی همراه شماری دیگر از طلاب جوان، دسته‌ای از روحانیون متجدد را در آستانه‌ی انقلاب مشروطه پدید آورد (فقیه حقانی، سخنرانی).

روحیه‌ی نواندیشی و تجددگرایی وی را نمی‌توان بی‌ارتباط با شرکت او در درس شیخ هادی نجم‌آبادی دانست. خرقانی ملاقات‌هایی هم با سید جمال‌الدین اسدآبادی داشته (جعفریان، ۲و۲۶) که قطعاً این ملاقات‌ها بر افکار و اندیشه‌های او بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، خود خرقانی هم شخصیتی تأثیرگذار داشته است و افراد زیادی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

تحت تأثیر وی قرارگرفته‌اند. از جمله‌ی شاگردان او می‌توان از طالقانی، بازرگان، نور محمدی- که محو الموهوم او را نوشته است- و صادق تقوی نام برد (حسینی ورجانی، خاطرات). شریعت سنگلجی هم از جمله‌ی کسانی است که در مجلس درس تفسیر خرقانی حاضر می‌شده و از منهج او تأثیر می‌پذیرفته است (جعفریان، ۸۸۲).

بعضی از دیدگاه‌های خرقانی بر اساس نوشته‌هایش در کتاب محو الموهوم، عبارت‌اند از: حدیثی را که با نص قرآن مخالف باشد باید کنار گذاشت؛ چون قرآن مرجع اصلی و اساسی دین است و اخبار صحیح، چیزی جز شرح آن نیست (خرقانی،۷۲،۱۳و۷۶). معیار شناخت دین اصیل و واقعی از چیزهایی که در آن وارد شده، سه چیز است: اول: قرآن دوم: آن مقدار از سنت که مورد اتفاق همه‌ی فرق اسلامی است. سوم: سیره‌ی پیامبر (ص) در طول ۲۳ سال تبلیغ (خرقانی، ۱۳-۱۲). اولوا الامر در اسلام، انتخابی است (خرقانی، ۳۸-۳۹) و «عموم فرق اسلامی در مسئله‌ی اولوا الامر، به‌اشتباه رفته‌اند؛ زیرا آیه‌ی اولوا الامر، از روز اول فراموش شد» (خرقانی، ۴۲). «متدین کسی است که به تمام اقوال و افعال بیست‌وسه ساله‌ی ذات اقدس- سما قدره- عمل و از آن حضرت پیروی نماید تا مصداق مسلم و علاقه‌مند به قرآن و پیرو دین محمد (ص) باشد؛ پس‌ازآنکه مصداق مؤمن شد، به هر یک از مذاهب مختلفه‌ی مسلمین داخل شود و برای تحصیل و وقوف بر بعضی دقایق دینی، هر نام و عنوانی بر خود گذارد، حرجی بر او نخواهد بود» (خرقانی،۱۵۸).

برخی از آثار خرقانی عبارت‌اند از: ۱- رساله در مفهوم و مصداق اولوالامر قرآنی ۲- کتاب محو الموهوم و صحوالمعلوم.

۲- ۲- شریعت سنگلجی

محمدحسن (شریعت) سنگلجی (۱۳۶۳-۱۳۱۰ق) که برخی نام او را رضاقلی (مدرسی چهاردهی، ش۱۱۶، ۸۷۶) و برخی دیگر غلامرضا (جعفریان، ۸۸۱) ذکر کرده‌اند؛ یکی از معروف‌ترین قرآنیان شیعه است که از سوی برخی پژوهشگران (حب الله،۶۱۲)، بنیان‌گذار اندیشه‌ی قرآنی در ایران نام‌گرفته است. او نزد علمای تهران شروع به تحصیل کرد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و مدت چهار سال و اندی در نجف بود و بار دیگر در سال ۱۳۴۰ قمری به تهران مراجعت کرد (سنگلجی،محوالموهوم، ۳-۷).

برخی از دیدگاه‌های شریعت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: قرآن برای همه، قابل‌فهم است (سنگلجی، ۲۱) و فهم آن، مبتنی است بر شناسایی اسباب نزول (سنگلجی، ۲۹) و نیازمند شناختن احوال عرب در آن عصر می‌باشد (سنگلجی، ۳۲). علت بدبختی مسلمانان این است که دین را از قرآن نمی‌گیرند و تعمق در آیات آن نمی‌کنند (سنگلجی، ۳). احکام شریعت در قرآن، کلّی و نیازمند سنّت است (سنگلجی، ۳۸). به دست کردن حلقه، انگشتر، نخ یا امثال آن‌ها، برای دفع بلاء (سنگلجی،توحید عبادت،۴۹)، تبرک به درخت، سنگ و امثال آن‌ها (سنگلجی،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

توحید عبادت، ۵۷)، ذبح و قربانی برای غیر خدا (سنگلجی،توحید عبادت، ۶۱) و دعای توسل و استغاثه به غیر خدا (سنگلجی، ۷۲)، از اقسام شرک است.

سنگلجی آثار متعددی از خود بر جای گذاشته است که برخی از این آثار عبارت‌اند از: توحید عبادت، کلید فهم قرآن، محو الموهوم و البدع و الخرافات.

۲-۳- حکمی‌زاده

علی‌اکبر حکمی‌زاده (۱۳۴۶-۱۲۸۰ش) یکی دیگر از قرآنیان است که علاوه بر تحصیل علوم دینی، در مجالس عزاداری به مرثیه و روضه‌خوانی می‌پرداخت. مورخان او را از خطیبان سخنور و مرثیه‌خوانان خوش‌صدا به شمار آورده‌اند (ویکی‌پدیا).

او مسائلی از قبیل: احادیث، اصل امامت، عزاداری و ثواب آن و ابدی بودن قوانین اسلام را به چالش کشیده و پیرامون موضوعاتی همچون: ناسازگاری برخی از احادیث با عقل و زندگی و علت عدم علاقه‌ی مردم به دین، سؤالاتی مطرح و از علما در مورد آن پاسخ خواسته است (حکمی‌زاده،۴۹،۴۱،۲۳،۱۴و۵۵).

برخی کتاب‌های برجای مانده از او عبارت‌اند از: اسرار هزارساله، آیین پاک، و راه نجات از آفاتِ تمدن عصر.

۲-۴- میرزا یوسف شعار تبریزی

میرزا یوسف شعار تبریزی (۱۳۹۲-۱۳۲۰ق) یکی دیگر از قرآنیان شیعه است که در تبریز و تهران، مکتب تفسیر قرآن راه انداخت و با نوشتن کتاب تفسیر آیات مشکله، شهرت یافت. او در بیست‌سالگی به مدرسه‌ی علوم دینی (طالبیه و جعفریه) تبریز رفت و به تحصیل علوم فقه و اصول و معانی و بدیع پرداخت. ضمناً همزمان، برخی از علوم دینی را در همان‌جا تدریس می‌کرد (مجلس تفسیر تبریز، ۷).

دیدگاه‌های شعار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: « تنها با چنگ زدن به رشته‌ی قرآن می‌توان اختلافات شایع بین مسلمانان را حل کرد؛ شیوه‌ی اجرای آن هم این است که همان راه و روشی را که امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) بزرگوار اسلام برای حفظ وحدت جامعه‌ی اسلامی انتخاب کرد، برگزینند» (مجلس تفسیر تبریز، ۱۸). «قرآن مجید، مستقل بالفهم است و در تفسیر آیات، به اخبار و شأن نزول‌ها اعتماد کلی نمی‌توان کرد. در مورد احکام نیز هرچند وجود سنت ضروری است، باید به اخبار متواتر و در صورت نبود آن به اخبار اطمینان آور اکتفا کرد» (مجلس تفسیر تبریز، ۱۴). معانی تمام آیات قرآن قابل‌درک است (مجلس تفسیر تبریز، ۲۲-۲۳). «عقاید مسلمانان با مقدار زیادی از خرافات و بدعت‌ها که با نص قرآن ناسازگار است آمیخته شده است (همانجا، ۲۵- ۲۶).

میرزا یوسف شعار دارای تألیفاتی عمدتاً در حوزه‌ی تفسیر و علوم قرآنی است. این تألیفات عبارت‌اند از: تفسیر آیات مشکله، رساله‌ی محکمات و متشابهات در قرآن، تفسیر سوره‌ی جمعه و منافقون، مقدمات تفسیر و رسائل تفسیری.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

۲-۵- فرید تنکابنی

عبدالوهاب فرید تنکابنی (۱۳۶۰-۱۲۸۶ش) یکی دیگر از قرآنیان و شاگرد شریعت سنگلجی است که با نوشتن کتاب اسلام و رجعت شهرت یافت. او مقدمات را در محل سکونت خود نزد پدر و دیگران آموخت و جهت تکمیل تحصیلات خود به اصفهان، تهران و سپس قم عزیمت کرد و در آنجا به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد (مرسلوند، ۵/ ۱۱۶).

دیدگاه‌های فرید را بر اساس آنچه در کتاب اسلام و رجعت آمده است می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: باید به «قرآن کریم، به این حبل‌الله متین متمسک شد، و آئین پاک اسلام را همان‌طوری که در دوره‌های رشد و نمو اسلام معمول بوده عمل نمود»(فرید تنکابنی،۶). در بین روایات، اخبار جعلی فراوانی در بخش اعتقادات وجود دارد که یک‌هزارم آن در بخش احکام، جعل نشده است»(فرید تنکابنی، ۶۵). « عقاید خرافی و بدعت‌ها را که هیچ ارتباطی با قرآن نداشته و باعث بی‌میلی مردم به اسلام گردیده‌اند، باید پاک‌سازی کرد» (فرید تنکابنی، ۵). «رجعت، از عقاید غلوآمیز و خرافی و بنابراین مردود است» (فرید تنکابنی،۱۰۷- ۱۰۸ و ۱۳۳- ۱۳۵).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «اسلام و رجعت» که مهم‌ترین اثر او بود و باعث شهرت وی گردید. «اسلام چنانکه بود» و کتابی به نام «روش زندگی» که ترجمه‌ای است از کتاب اویبوری انگلیسی.

۲-۶- سید ابوالفضل برقعی

سید ابوالفضل برقعی (۱۳۷۰-۱۲۸۷ش) یکی از شاخص‌ترین و تندروترین افراد جریان قرآنی است. او پس از گذراندن مقدمات و سطح، به درس خارج فقه و اصول رسید و آن‌ها را نیز فراگرفت و درعین‌حال به تدریس مقدمات برای طلاب جوان نیز اشتغال داشت. برقعی بخشی از تحصیلات دینی خود را نیز در نجف اشرف گذرانده و در آنجا از بعضی مراجع، کسب درجه‌ی اجتهاد کرده است (برقعی قمی،۱۰ و ۱۱).

دیدگاه‌های برقعی از جمله‌ی تندترین دیدگاه‌های قرآنیان نسبت به اعتقادات شیعه به شمار می‌رود. او معتقد است: « برای اینکه فریب اخبار مجعول را نخوریم و اسیر خرافات نشویم، آشنایی با قرآن کریم بهترین وسیله‌ی نجات است» (برقعی قمی، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، ۱۰۰۶). «انبیاء (ع) پس از وفات خود از امت خویش خبر ندارند و در عالم باقی از عالم فانی، بی‌خبر و آسوده‌اند» (برقعی قمی، سوانح ایام، ۲۴۹). «کتب مذهبی مانند کافی و بحار مملو از مطالب ضد قرآن و عقل است و از امامان هدایت نیست و پرداخته‌ی دشمنان است» (برقعی قمی، همانجا، ۲۵۰). « مهدی منتظری که طبق عقیده و روایات شیعه می‌آید و برای جهان عذاب و نقمت است و مردم جهان را با شمشیر می‌کشد و به‌زور، همه را به اسلام وارد می‌کند و تا زیر شکم اسبش خون بالا می‌آید و کافری در دنیا نمی‌ماند برای اینکه پنج سال یا هفت سال ریاست کند، صحیح نیست و برخلاف آیات و سنت الهی است» (برقعی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

قمی، همانجا،۲۵۰). « این عقیده‌ی شیعه که ائمه به دنیا بازمی‌گردند و مخالفان خود را از قبور بیرون می‌آورند و به آتش می‌کشند و جزا می‌دهند؛ صحیح نیست» (برقعی قمی، همانجا،۲۵۱).

تعدادی از مهم‌ترین تألیفات او که پس از تغییر عقیده نوشته است عبارت‌اند از: نقد المراجعات و الرد علیها، به زبان عربی، تابشی از قرآن، ترجمه‌ی احکام القرآن شافعی، ترجمه‌ی عقیده‌ی اسلامیه از تألیفات محمد بن عبدالوهاب، ترجمهٔ مسند امام زید بن علی، اصول دین ازنظر قرآن، خرافات وفور در زیارت قبور، تضاد مفاتیح‌الجنان با آیات القرآن، بررسی علمی در احادیث مهدی، بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، رهنمود سنت در رد اهل بدعت و ترجمهٔ مختصر کتاب منهاج السنه، از تألیفات ابن تیمیه.

۲-۷- حیدرعلی قلمداران

حیدرعلی قلمداران (۱۳۶۸-۱۲۹۰ش) یکی از افراد قرآنی است که کتاب‌های زیادی تألیف کرده و با برقعی و حسینی طباطبایی هم‌دوره بوده و ارتباط تنگاتنگی داشته است. او فاقد هرگونه مدرک تحصیلی و تحصیلات حوزوی بود و تنها معلم وی، پیرزنی بوده که مقداری قرآن به او آموخته است (حسینی ورجانی، گ). او حوالی سی‌سالگی در تهران به خدمت آموزش و پرورش درآمد و از همین سال‌ها بود که فعالیت‌های فرهنگی و نگارشی وی از طریق همکاری با نشریات و مطبوعات غالباً دینی آغاز گردید (زرنگار، ۵ و۶).

برخی از دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «کسی که از جانب مسلمین برانگیخته شد امام مفترض الطاعه است و مادامی‌که در اطاعت خدا است مخالفتش حرام است؛ پس انحصار آن به امام معصوم بدون دلیل و بی‌معنی است» (قلمداران، الف، ۱۸۶). «خمس فقط مربوط به غنائم جنگی است» (قلمداران، خ، ۱۸۷). «انهدام یک رکن مهم اسلام، ترک جمعه است» (قلمداران، الف، ۲۰۴). «ساختن بقعه و پرداختن دخمه و پرستش اموات، یکی از آداب و سنن ادیان خرافی و باطله‌ی قبل از اسلام بوده است»»(قلمداران، الف، ۲۳۷). «اکثر اعمالی که در میان شیعیان به نام شعایر دین صورت می‌گیرد از قبیل تعمیر مقابر و تعظیم مشاهد و عزاداری‌ها و زنجیرزنی و نذر برای غیر خدا و موقوفات و توسلات و ... اگر به دیده‌ی تحقیق نگریسته شود مخالف شرع انور و مباین با تعالیم پیامبر و ائمه‌ی بزرگوار اسلام بوده و شرک خالص است»(قلمداران، الف، ۲۸۵).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: کتاب ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان، حکومت در اسلام، حج یا کنگره‌ی عظیم اسلامی، حقایق عریان در اقتصاد قرآن [«زکات»]، خمس، راه نجات از شرّ غلات که در پنج قسمت تألیف شده است، شاهراه اتّحاد و کتاب سنّت رسول از عترت رسول.

۲-۸- سید صادق تقوی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

سید صادق تقوی (۱۳۷۳-۱۲۹۲ش) در تجریش به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سال ۱۳۱۶ ادامه داد و پس از طی دوره‌ی دانشکده‌ی دندانپزشکی، فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۲۰ به استخدام وزارت بهداری در آمد و در سال ۱۳۴۷ بازنشست شد (جعفریان،جریانها و سازمانهای مذهبی و....، ۹۰۹).

از مهم‌ترین دیدگاه‌های تقوی این بود که با تقسیم اسلام به قدیم و جدید، اسلام قدیم را اسلام تحریف‌شده می‌دانست و معتقد بود: « مکتب اسلام واقعی در اثر هوا و هوس و اغراض شخصی پیشوایان ادیان در دوران تاریخ چندین بار تحریف‌شده و از صورت پاک و صحیح اولیه به‌صورت‌های خرافی و پست جلوه کرده ... و اینک ما آن اسلام واقعی را به دست آورده و تجدید می‌نماییم و چون اصول علمی ما برای کشف حقایق اسلام تازگی دارد و از طرفی نام اسلام را پیشوایان سوء بدنام کرده‌اند، ما مجبوریم آن مکتب پاک و عالی را به نام مکتب جدید اسلام معرفی نماییم» (تقوی، ۴). او به‌جز قرآن، عمل فعلی مردم مکه و مدینه را در احکام قابل استناد می‌دانست (تقوی، ۴۱) و معتقد بود که در هر زمان امام زمانی وجود دارد و در عصر خویش، خود او یعنی دکتر تقوی امام زمان است. وی که خود را سنی نبوی و شیعه نبوی می‌خواند، گفتن «حی علی خیر العمل» را به دلیل این‌که معنایش متناسب نیست، جایز نمی‌دانست، چراکه - ازنظر او - نماز بهترین اعمال نیست، بلکه یکی از اعمال خوب است (جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی و....، ۹۱۲).

برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: مواد اساسی حکومت اسلام، چگونه نماز بخوانیم، دوازده قاعده رفع اختلاف مسلمین، قوانین ارث اسلام و ترجمه و تفسیر قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها.

۲-۹- حسینی طباطبائی

سید مصطفی حسینی طباطبائی در سال ۱۳۱۴ش در خانواده‌ای متدین و اهل علم به دنیا آمد. او از نوادگان آیت‌الله طباطبائی بزرگ از سران انقلاب مشروطه است. وی در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد اما هرگز لباس روحانیت برتن نکرد (مختصری از زندگینامه‌ی استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، ۱-۵).

مهم‌ترین دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: « قرآن کریم بدون حدیث، قابل‌فهم است» (حسینی طباطبایی، ر، ۱۵۰). « باید شرح مجملات قرآن را به سنت احاله کنیم؛ مانند شرایط بعضی از احکام که در قرآن مجید نیامده‌اند و در این باره استبداد به رأی نشان ندهیم» (حسینی طباطبایی، ر، ۱۴۵). « موضوع امامت از دیدگاه محکمات قرآن مجید، به اعتبار ماهیت، از حکومت رسمی و امارت جدا است» (حسینی طباطبایی، ر، ۱۵۸). سجده بر مهر جزو مستحدثات است (حسینی طباطبایی، آ، ۸).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: راهی به‌سوی وحدت اسلامی، خیانت در گزارش تاریخ، دین‌ستیزی نافرجام، شیخ محمّد عبدُه مصلح بزرگ مصر، نقد کتب حدیث، فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن، علیٌّ بین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

التقصیر و الغلوّ، آیا سجده بر غیر زمین جایز است؟، قرآن بدون حدیث هم قابل‌فهم است، دفاع از شمشیر اسلام و بررسی آراء اخباری و اصولی.

روش تفسیری قرآن به قرآن و دیدگاه قرآنیان شیعه در خصوص آن

روش تفسیری قرآن به قرآن، که از سوی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) و مفسران بزرگی در دوره معاصر همچون علامه طباطبایی مورداستفاده قرارگرفته و به گفته‌ی ابن تیمیه نیز یکی از بهترین روش‌های تفسیر قرآن است (ابن تیمیه،۹۳)، در صورت رعایت قواعدش،[1] روشی پسندیده است که قرآنیان هم نه‌تنها از این روش استفاده کرده بلکه آن را در صدر روش‌های تفسیری خود قرار داده و معتقدند: «باید تفسیر آیات قرآن را اول از خود قرآن اخذ نمود و اگر تفسیر ان در قرآن نباشد باید مراجعه به سنت نمود»(سنگلجی، ۱۵؛ حسینی طباطبایی، ب، ۱۱۵). با توجه به اینکه روش تفسیری قرآن به قرآن عبارت است از تفسیر آیات قرآن به وسیله‌ی دیگر آیات مشابه و متحد الموضوع، اختلاف چندانی نمی‌توان در دیدگاه صاحبان این روش تفسیری مشاهده کرد؛ بنابر این بهتر است نقد و بررسی قرآنیان شیعه را در استفاده از این روش تفسیری، در عملکرد ایشان پیگیری نماییم. با نگاهی به آثار تفسیری قرآنیان شیعه که نمونه های از ان در ذیل می اید ، می توان نقد شیوه استفاده آنان از روش قرآن به قرآن را در چهار بخش مورد بررسی قرار داد.

۳-۱- فراگیر نبودن استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن از سوی قرآنیان شیعه

در قرآن مجید پیرامون برخی از موضوعات، آیات مشابهی وجود دارد و برخی از موضوعات هم هستند که دارای آیات مشابه نیستند؛ بنابراین بر کسانی که از روش تفسیری قرآن به قرآن استفاده می‌کنند؛ به‌خصوص آن‌هایی که این روش تفسیری را بهترین روش برای تفسیر قرآن می‌دانند و آن را در صدر روش‌های خود قرار می‌دهند، لازم است که در تفسیر آیاتی با موضوع مشترک حتماً همه‌ی این آیات را مدنظر قرار دهند تا روش تفسیری‌شان کامل باشد و اگر مواردی مشاهده شد که آن‌ها به این موضوع توجه نکرده‌اند، روش تفسیری‌شان با نقصان مواجه می‌شود. با مراجعه به برخی کتب از جمله دو کتاب تفسیری قرآنیان، (تابشی از قرآن و تفسیر آیات مشکله) می‌بینیم که این روش تفسیری از سوی آنان به‌صورت کامل رعایت نشده است؛ به‌عنوان‌مثال، برقعی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «**صِرَاطَ اَلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيهِمْ غَيرِ اَلْمَغْضُوبِ عَلَيهِمْ وَ لاَ اَلضَّالِّينَ**» (راه کسانی که به آنان نعمت عطاکردی، هم آنان که نه مورد

[1] – نخستین قاعده در این روش تفسیری کنار گذاشتن نظریه استقلال یا کفایت قرآن در تفسیر است که هرچند طرفدارانی دارد اما همان‌طور که گفته شد حتی خود قرآنیان هم آن را به‌طور کامل قبول ندارند و فهم قرآن را مبتنی بر شناخت اسباب النزول احوال عرب عصر نزول و تاریخ و لغت و ... و فهم مجملات آن را متوقف بر سنت می‌دانند. قاعده‌ی دوم اینکه بدانیم با این روش تفسیری نمی‌توان کل قرآن را تفسیر کرد چون ممکن است در قرآن آیاتی باشد که ازنظر لفظ و معنی تنها یک‌بار در قرآن به‌کاررفته باشند؛ علاوه بر اینکه در این روش تفسیری ملاحظه تاریخ و شان نزول آیات، بسیار ضروری است چون، بدون آگاهی از تاریخ نزول آیات نمی‌توان تفسیر صحیحی ارائه و آیات ناسخ و منسوخ را تعیین کرد و بدون شناخت شأن نزول برخی از آیات، تفسیر دقیقی از آن‌ها به دست نمی‌آید؛ بنابراین، روش تفسیری قرآن به قرآن به‌تنهایی نمی‌تواند روش کامل و بدون نقصی باشد.(برای آگاهی بیشتر نک: عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، تهران).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

خشم تواند و نه گمراه‌اند. (الفاتحه،۷) بدون هیچ اشاره‌ای به آیه‌ی «**وَ مَنْ یطِعِ اَللّٰهَ وَ اَلرَّسُولَ فَأُولٰئِک مَعَ اَلَّذِینَ أَنْعَمَ اَللّٰهُ عَلَیهِمْ مِنَ اَلنَّبِیینَ وَ اَلصِّدِّیقِینَ وَ اَلشُّهَدٰاءِ وَ اَلصّٰالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولٰئِک رَفِیقاً**» یعنی: و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره‌ی کسانی از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (النساء،۶۹) به تفسیر آیه پرداخته و حرفی از اینکه چه کسانی مورد انعام الهی قرارگرفته‌اند به میان نیاورده است؛ (برقعی قمی، ت، ۷۳/۱) درحالی‌که آیه‌ی دوم به‌روشنی مشخص کرده است که مؤمنان، در صورت اطاعت از خدا و رسول با پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان- که همگی مورد انعام الهی قرارگرفته‌اند - خواهند بود.

و در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «**ذٰلِک اَلْکِتٰابُ لاٰ رَیبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ**» یعنی: این کتاب، که هیچ شکی در آن نیست؛ سراسر برای پرهیزکارانْ هدایت است.(البقره،۲) نیز بدون اشاره به آیه‌ی «**شَهْرُ رَمَضٰانَ اَلَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ اَلْقُرْآنُ هُدیً لِلنّٰاسِ ...**» یعنی: ماه رمضان که قرآن در آن نازل‌شده، قرآنی که سرتاسرش هدایتگر مردم است ... (البقره،۱۸۵)، متقین را بر کسانی حمل کرده است که جلو ضرر احتمالی را بر خود می‌گیرند (برقعی قمی، ت،۷۴/۱) درحالی‌که اگر به آیه‌ی دوم توجه کرده بود تفسیر وی متفاوت می‌شد؛ چون با توجه به آیه‌ی دوم می‌توان هدایت قرآن را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم کرد که هدایت اولیه شامل همه انسان‌ها می‌شود و هدایت ثانویه به متقین اختصاص دارد.

همچنین در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «**وَ لاٰ یحْسَبَنَّ اَلَّذِینَ یبْخَلُونَ بِمٰا آتٰاهُمُ اَللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَیطَوَّقُونَ مٰا بَخِلُوا بِهِ یوْمَ اَلْقِیٰامَةِ...**»(آل عمران،۱۸۰) می‌گوید: «و جمله‌ی: سَیطَوَّقُونَ .... دلالت دارد که چون زکات مالی داده نشد آن مال مجسم گردد به شکل افعی و روز قیامت به گردن صاحبش بپیچد؛ چنانکه در حدیثی آمده[است]»(برقعی قمی، ت، ۲۶۴/۱).[1] او بدون اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی «**یوْمَ یحْمیٰ عَلَیهٰا فِی نٰارِ جَهَنَّمَ فَتُکْویٰ بِهٰا جِبٰاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هٰذٰا مٰا کَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا مٰا کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ**» (التوبه،۳۵) یعنی: روزی که آن اندوخته‌ها را در آتش دوزخ به شدّت گرما دهند و پیشانی و پهلو و پشتشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهیب زنند] این است ثروتی که برای خود اندوختید، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید. به تفسیر آیه‌ی اول پرداخته است؛ درصورتی‌که اگر به آیه‌ی دوم توجه می‌کرد تفسیر او از دقت و اعتبار بیشتری برخوردار می‌شد؛ چون با استفاده از آیه‌ی سوره‌ی توبه می‌توان نتیجه گرفت که طلا و نقره‌ای که در دنیا جمع می‌کردند؛ در آخرت به‌صورت گداخته و آتشین به شکل حلقه‌ای بر گردن آن‌ها نهاده می‌شود.

در اینجا ممکن است گفته شود، کتاب تابشی از قرآن، کتاب تفسیری نیست؛ بلکه ترجمه‌ای از قرآن است؛ بنابراین لازم نیست قواعد تفسیر در آن رعایت شود. در پاسخ این اشکال می‌گوییم اولاً: ترجمه، عبارت است از برگردان

[1] - نمونه‌ی دیگر: همان، ص۲۹۳.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد، بدون هیچ شرح و توضیح اضافه؛ درحالی‌که در کتاب تابشی از قرآن، پس از ذکر آیات، ابتدا ترجمه و سپس شرح و توضیح آیات بیان شده است. ثانیاً: این کتاب توسط خود برقعی تفسیر نامیده شده است (برقعی قمی، ت، ۲/ ۸۲۰).

در کتاب تفسیر آیات مشکله هم هرچند استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن وسیع‌تر است اما نه به این معنی که استفاده از آن فراگیر و صد در صد باشد؛ به‌عنوان نمونه، یوسف شعار در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی«**إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ**» یعنی: آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند. (التوبه،۱۸) با توجه به آیه‌ی قبل از آن و بدون اشاره به آیه‌ی « **أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا ...**» یعنی: آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا با تأمل بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان قوی‌تر و نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و آن را بیش ازآنچه اینان آبادش کردند، آباد نمودند... .(الروم،۹) به تفسیر آیه پرداخته و تعمیر مساجد را در این آیه، بر تعمیر معنوی حمل کرده است؛ (شعار، ۱۷۵) درحالی‌که چنین تأویلی نه شاهدی از دیگر آیات دارد و نه تناسبی با ظاهر لغت و اگر به آیه‌ی دوم توجه کرده بود، به این نتیجه می‌رسید که عمارت در قرآن به معنی آباد کردن و تعمیر ظاهری به‌کاررفته است نه تعمیر باطنی؛ بنابر این، در آیه‌ی مورد نظر هم منظور از آباد کردن مساجد، تعمیر ظاهری آن است؛ چون کفار و مشرکان که منکر وجود خداوند هستند، مسلما برای اقامه نماز به مساجد نمی آیند تا با این کار خود مساجد را از نظر معنوی آباد کنند.

۳-۲- بی توجهی به برخی از آیات مشابه و همسو در تفسیر قرآن به قرآن

روش تفسیری قرآن به قرآن در صورتی کامل و مفید خواهد بود که مفسر، با اشراف و احاطه‌ی کامل به تمام آیات مشابه و همسو، به تفسیر آیات قرآن بپردازد؛ در غیر این صورت، تفسیر او با نقصان مواجه و دچار اشکالاتی خواهد شد؛ به‌عنوان نمونه، برقعی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «**كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**» یعنی: چگونه به خدا کفر می‌ورزید درحالی‌که مرده بودید، پس شما را حیات بخشید، سپس شما را می‌میراند، آنگاه دوباره زنده می‌کند، سپس به‌سوی او بازگردانده می‌شوید (البقره،۲۸) به آیه‌ی «**لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ**» یعنی: در آنجا مرگ را نمی‌چشند، مرگ آنان همان مرگی بود که در دنیا چشیدند، و خدا آنان را از عذاب دوزخ مصون می‌دارد. (الدخان،۵۶) و آیات«**ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ**»یعنی: سپس همه شما بعدازاین می‌میرید. آنگاه شما مسلماً روز قیامت برانگیخته می‌شوید(المومنون،۱۵ و ۱۶)اشاره‌کرده(برقعی قمی، ت، ۸۴/۱)، درحالی‌که به آیه‌ی «**النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ**

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

عَشِيا وَ يوْمَ تَقُومُ اَلسّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ اَلْعَذابِ» یعنی: آتش است که صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا شود، فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب درآورید. (الغافر،۴۶) توجهی نکرده است؛ درحالی که در این آیه، ابتدا به عذابی که آل فرعون صبح و شب گرفتار آن هستند و سپس به عذاب روز قیامت اشاره شده است و این مطلب می‌تواند شاهدی بر وجود حیات برزخی باشد و دست‌کم از سوی مفسر، جای بررسی و موشکافی داشته است.

۳-۳- لغزش برخی از قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن

با مراجعه به تفاسیری که قرآنیان با استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن ارائه کرده‌اند، درمی‌یابیم که برخی از این تفاسیر صحیح و قابل‌قبول نبوده است؛ به‌عنوان نمونه، یوسف شعار در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی **«يا أَيهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيبَاتِ مَا رَزَقْنَاكمْ وَ اشْكرُوا لِلَّهِ إِنْ كنْتُمْ إِيَاهُ تَعْبُدُونَ»** یعنی: ای اهل ایمان! از انواع میوه‌ها و خوردنی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می‌پرستید. (البقره،۱۷۲) با استشهاد به آیه‌ی **«لَيسَ عَلَى اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اَللَّهُ يحِبُّ اَلْمُحْسِنِينَ»** و آیه‌ی **«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اَللَّهِ اَلَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ اَلطَّيبَاتِ مِنَ اَلرِّزْقِ قُلْ هِي لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي اَلْحَيَاةِ اَلدُّنْيَا خَالِصَةً يوْمَ اَلْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ اَلْآيَاتِ لِقَوْمٍ يعْلَمُونَ»** یعنی: بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگرچه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریک‌اند، ولی] در قیامت فقط ویژه‌ی مؤمنان است؛ ما این‌گونه آیات خود را برای گروهی که می‌دانند، بیان می‌کنیم. (الاعراف،۳۲)؛ جمله‌ی **«إِنْ كنْتُمْ إِيَاهُ تَعْبُدُونَ»** را متعلق به «کُلُوا» گرفته و آیه را این‌گونه معنی کرده است «ای مؤمنین! از روزی‌ها بخورید اگر به خدا عبادت‌کنندگانید»(شعار، ۷۴- ۷۵)؛ درحالی که اگر به آیه‌ی **«يا أَيهَا اَلنّاسُ كُلُوا مِمّا فِي اَلْأَرْضِ حَلالاً طَيباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ اَلشَّيطَانِ إِنَّهُ لَكمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»** یعنی: ای مردم! ازآنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (البقره،۱۶۸) توجه می‌کرد می‌توانست به این نتیجه برسد که امر به خوردن از روزی‌های حلال و پاکیزه‌ی زمین، مشروط به عبادت خدا نیست؛ چون این دستور اباحی، با خطاب **«يا أَيهَا اَلناسُ»** به همه‌ی مردم، صرف‌نظر از ایمان و عبادتشان داده‌شده است.

او همچنین در تفسیر آیه‌ی **«وَ مِنَ اَلناسِ مَنْ يعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي اَلْحَيَاةِ اَلدُّنْيا وَ يشْهِدُ اَللَّهَ عَلى ما فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ اَلْخِصامِ»** یعنی: و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی دنیا تو را خوش آید، و خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می‌گیرد، درحالی‌که سرسخت‌ترین دشمنان است. (البقره،۲۰۴)، با توجه به آیات **«أَ وَ لَمْ يرَ اَلْإِنْسانُ أَنّا خَلَقْناهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ»** یعنی: آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه‌ای [پست و ناچیز] آفریده‌ایم و اینک ستیزه‌گری آشکار است؟ (یس،۷۷) و **« أَ وَ مَنْ ينَشَّؤُا فِي اَلْحِلْيةِ وَ هُوَ فِي اَلْخِصامِ غَيرُ مُبِينٍ»** یعنی: آیا کسی را [شریک خدا قرار

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

داده‌اند] که در زر و زیور پرورش‌یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟ (الزخرف،۱۸) و « **إِنَّا أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِما أَراكَ اللَّهُ وَ لا تَكُنْ لِلْخائِنِينَ خَصِيماً**» **یعنی:** یقیناً این کتاب را به‌درستی و راستی بر تو نازل کردیم؛ تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و حمایت گر خائنان مباش. (النساء،۱۰۵)؛ «خصام» را به معنی استدلال و محاکمه گرفته و آیه را این‌گونه ترجمه کرده است: « آن شخص در مقام محاکمه و استدلال لجاجت به خرج می‌دهد»(شعار، ۸۶)؛ درحالی‌که اولاً: «خصام» در این آیه به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند معنای مصدری داشته باشد؛ چون اگر معنای مصدری داشت باید به‌صورت «الد خصاما» یا «الد فی الخصام» به کار می‌رفت؛ بنابراین، وجه جمع بودن این واژه بهتر است تا شبیه عبارت‌هایی همچون: «احسن القصص» و «احسن الخالقین» در خود قرآن باشد. ثانیاً: او اسم تفضیل (أَلَدُّ) را هم به‌صورت تفضیلی ترجمه نکرده و معنای فعل مضارع به آن داده است. شاید اگر از این زاویه وارد می‌شد که خصام جمع خصم است یا جمع خصیم، بهتر به نتیجه می‌رسید.

۳-۴- غیر روشمند بودن عملکرد قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن

با مراجعه به نگارش های تفسیری قرآنیان شیعه در می یابیم که عملکرد ایشان در استفاده از این روش تفسیری یکسان نبوده و در تفسیر برخی از آیات قرآن، بین ایشان اختلافاتی مشاهده می‌شود؛ ازجمله، برقعی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «**وَ اتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لا يُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَ لا يُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ**» یعنی: و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می‌کند، و نه از کسی شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می‌گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می‌شوند. (البقره،۴۸)؛ شفاعت اخروی را انکار کرده و در دنیا آن را به معنی استغفار و در حق مؤمنانی که خداوند از دین و اعمال آنان خشنود باشد، روا دانسته است (برقعی قمی، ت، ۹۵/۱)؛ درحالی‌که یوسف شعار، در تفسیر همین آیه، با اشاره به آیات دیگری درباره‌ی شفاعت می‌گوید: « این قسمت از آیات، وجود شفیعانی را در روز قیامت ثابت می‌کند و می‌گوید: شفاعت کنندگانی خواهند بود منتهی توضیح می‌دهد که ... فقط کسانی حق شفاعت خواهند داشت که خداوند به ایشان اجازه دهد و از مقربین الهی باشند و این شفاعت درباره‌ی کسانی خواهد بود که خدا به بخشوده شدن آنان راضی باشد»(شعار، ۴۲).

آیه‌ای که انتخاب کردیم از آیات عقیدتی است که طبق نظر قرآنیان قابل‌فهم و کافی و بی‌نیاز از سنت است و بنابراین، نباید برداشت و تفسیر افراد مختلف به‌خصوص قرآنیان که مبنای فهم قرآن را خود قرآن می‌دانند از این آیه متفاوت باشد؛ اما بااین‌وجود، از تطبیق این دو تفسیر، چنین به دست می‌آید که برقعی شفاعت اخروی را به‌هیچ‌وجه قبول ندارد و تنها وجهی از شفاعت که موردقبول او است شفاعت دنیوی به معنی استغفار است؛ درحالی‌که یوسف شعار، شفاعت اخروی را برای مقربان درگاه الهی به اذن خداوند در حق کسانی که خداوند به بخشوده شدن آنان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

راضی باشد، اثبات می‌کند(شعار،۱۳۶۹: ۴۲) و این نمونه‌ای از هماهنگ نبودن قرآنیان در استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن است.

۴- نتایج مقاله

با بررسی روش قرآنیان شیعه درخصوص روش تفسیر قرآ ن به قرآن، نتایج ذیل ، حاصل می شود :

۴-۱- قرانیان شیعه در برخی از موارد، برخلاف دیدگاه خود ، روش تفسیری قران به قران را در صدر روش‌های خویش قرار نداده و به جای آن، از روش‌های دیگری استفاده کرده‌اند و در مجموع، بهره‌گیری ایشان از روش یاد شده ، فراگیر نبوده و در برخی از موارد ، از آن استفاده نکرده‌اند.

۴-۲- در برخی از موارد، انها به جای استفاده از تمامی آیات مشابه و همسو، تنها به تعدادی از آیات توجه کرده و تعدادی دیگر را نادیده گرفته‌اند و در مواردی روشمند و یکسان عمل نکرده‌اند و تفسیرشان متفاوت بوده است.

۴-۳- انها در به‌کارگیری روش تفسیری، گاهی دچار خطا شده و تفسیری که بر اساس این روش ارائه نموده اند قابل قبول نبوده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم.

۲- ابن تیمیه، احمد، مقدمهٔ فی اصول التفسیر، تحقیق فواز احمد زمرلی، چاپ دوم، ، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۸ ق/۱۹۹۷ م.

۳- الهی بخش، خادم حسین، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، چاپ دوم، طائف: مکتبه الصدیق،۱۴۲۱ ق.

۴- برقعی قمی، سید ابوالفضل، تابشی از قرآن، بی‌تا بی‌چا بی‌جا.

۵- همو، سوانح ایام در زندگانی خادم الاسلام علامه‌ی برقعی، تصحیح اسحاق دبیری، چاپ اول، ۱۳۸۷/۱۴۲۹.

۶- همو، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، تحریر دوم، ۱۴۳۱/۱۳۸۸.

۷- تقوی، سید صادق، یک روش جدید و علمی برای از بین بردن کلیه اختلافات جزئی مسلمانان، تهران،۱۳۶۲ ش

۸- جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چاپ چهارم، تهران، خانه‌ی کتاب،۱۳۹۱ ش.

۹- همو، سید اسدالله خرقانی روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه، چاپ اول، تهران: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی،۱۳۸۲ ش.

۱۰- حسینی طباطبایی، مصطفی، بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث نقد کتب حدیث بی‌تا، بی چا، بی‌جا.

۱۱- همو، آیا سجده بر غیر زمین جایز است، مراجعه و تصحیح: اسحاق دبیری، بی چا، بی‌تا، بی‌جا.

۱۲- حسینی طباطبائی، مصطفی، راهی به‌سوی وحدت اسلامی، بی چا، بی‌تا، بی‌جا.

۱۳- حکمی‌زاده، علی‌اکبر، اسرار هزارساله، چاپ نخست، همراه با شماره ۱۲ از نشریه پرچم، ۱۳۲۲.

۱۴- خرقانی، سید اسدالله، محو الموهوم و صحو المعلوم، بی‌چا، ناشر: غلامحسین نورمحمدی خمسه پور، بی‌تا بی‌جا.

۱۵- روشن‌ضمیر، محمدابراهیم، جریان شناسی قرآن بسندگی، چاپ اول، تهران: ۱۳۹۰ ش.

۱۶- زرنگار، حنیف، یادی از یار، شرح مختصری از زندگی استاد حیدر علی قلمداران، بی چا، بی‌تا، بی‌جا.

۱۷- سنگلجی، محمدحسن (شریعت)، توحید عبادت، چاپ سوم، بی جا، ۱۳۸۶/۱۴۲۸.

۱۸- همو، کلید فهم قرآن، چاپ پنجم، بی‌تا، بی‌جا.

۱۹- همو، محو الموهوم، بی چا، تابان، بی‌جا، ۱۳۲۳ ش.

۲۰- شعار، یوسف، تفسیر آیات مشکله، چاپ سوم، تهران: مجلس تفسیر قرآن، ۱۳۶۹ ش.

۲۱- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۹.

۲۲- فرید تنکابنی، عبد الوهاب، اسلام و رجعت، بی‌چا، بی‌تا، بی‌جا.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

۲۳- قلمداران، حیدر علی، ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان، بی چا، بی‌تا، بی‌جا.
۲۴- همو، بحثی عمیق پیرامون مسالهٔ خمس مأخوذ از کتاب و سنت، بی چا، بی‌تا، بی‌جا.
۲۵- کسروی، احمد، در پیرامون اسلام، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۳۲۳.
۲۶- مجلس تفسیر تبریز، زندگینامه علامه فقید مفسر شهیر قرآن مجید شادروان آقای حاج میرزا یوسف شعار، تبریز: چاپ شفق، ۱۳۵۱.
۲۷- مختصری از زندگینامه استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، بی چا، بی‌تا، بی‌جا.

منابع دیجیتالی:

۲۸- حب الله، حیدر، نظریهٔ السنهٔ فی الفکر الإمامی الشیعی التکوین والصیروهٔ، بیروت: دار الانتشار العربی، (کتابخانه‌ی دیجیتال نور)، ۲۰۰۷.
۲۹- رنه دالمانی، هانری، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، متن. (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: ، امیرکبیر، ۱۳۳۵ ش.
۳۰- شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ: اول،(نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: انتشارات بهزاد،۱۳۸۷ ش.
۳۱- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ بیستم،(نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر،۱۳۸۳ ش.
۳۲- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ هفتم، (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر،۱۳۸۴ ش.
۳۳- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران،(ناشر الکترونیک: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه‌ی اصفهان)، قم: موسسه فرهنگی التمهید،۱۳۷۹.
۳۴- نرم افزار نویسیار قرآن (مرکز کامپیوتری نور).

سایت‌ها:

۳۵- آل غفور، سید محسن، شیخ هادی نجم‌آبادی فقیه روشنفکر و قرآن‌پژوه سیاسی، نشریه‌ی علوم سیاسی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۹، شماره ۲۷۵ و ۲۷۶(سایت تخصصی مجلات نور به آدرس اینترنتی www.noormags.com).
۳۶- حسینی ورجانی، خاطرات، بخش هفتم، وبلاگ قرآنیان به آدرس اینترنتی:
h-varjani.blogfa.com/post-۴۵.aspx
۳۷- سایت کتاب و کتابخانه (شهرنامه) بخش کتابخانه (کتابخانه‌ی فرید) به آدرس اینترنتی:
http://ketab.shahrnameh.com/index.php?
۳۸- فقیه حقانی، موسی، نقش وهابیت شیعه در تاریخ معاصر ایران (سخنرانی).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]

http://www.ammarha.com/news/۳۳۷۰.htm
۳۹- مدرسی چهاردهی، مرتضی، شریعت سنگلجی، نشریه ادبیات و زبانها « وحید »، مرداد ۱۳۵۲- شماره ۱۱۶(سایت تخصصی مجلات نور www.noormags.com).
۴۰- مرسلوند، حسن، زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران، ۱۳۷۶، تهران (کتابخانه دیجیتال نور).
۴۱- نبوی رضوی، سید مقداد، نگاهی تحلیلی به تکاپوهای فکری شریعت سنگلجی، نشریه‌ی فلسفه و کلام « امامت پژوهی» زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴(سایت تخصصی مجلات نور www.noormags.com).
۴۲- ویکی‌پدیا دانشنامه آزاد، به آدرس اینترنتی: علی‌اکبر- حکمی‌زاده /http://fa.wikipedia.org/wiki.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.1.6]